

ملک الشعراى دربار احمد شاه بهمنى آذرى اسفراينى

دکتر سيد کليم اصغر

در ميان مراکز گسترش زبان و ادب فارسى هند، دکن هم يک مرکز مهم گسترش زبان و ادب فارسى به شمار مى‌رود. در دربار سلاطين دکن تجمّع شاعران و اديبان و نويسندگان و دانشمندان بوده است و سلاطين بهمنيان نه صرف شاعران و نويسندگان را تشويق و حمايت مى‌کردند بلکه در دربارشان به مرتبه و مقام مناسب قدردانى نمودند. بهمنيان که از مهم‌ترين و قديمى‌ترين سلسله‌هاى مستقل هند به شمار مى‌آيند. در سراسر دکن و جنوب هند به مدت صد و هشتاد سال دوام آوردند.^۱

سلاطين بهمنى هم مانند اغلب فرمانروايان مسلمان آن روزگار هند، شيفته ادب و شعر فارسى بودند و تحت فرهنگ ايرانى قرار داشتند. با وجودى که بنيانگذار اين خانواده تحصيلات زيادى نداشت وى با زبان فارسى آشنا بود.^۲ زبان فارسى زبان دربار و مراسلات رسمى آنها بود. آنان به شاهزادگان خود حتى در دبستان اعلى‌ترين نمونه ادب فارسى يعنى بوستان سعدى را مى‌آموختند و نوروز را با جلال خاصى برگزار مى‌کردند. بسيارى از ارباب علم و ادب در عهد آنان فارسى‌گو و فارسى‌نويس بودند.^۳ مى‌گويند علاءالدين حسن در دم مرگ از کوچک‌ترين فرزند خود محمود پرسيد که در مکتب چه مى‌خوانى و او پاسخ داد: "تصنيف شيخ سعدى شيرازى را مى‌خوانم" پرسيد

◆ استاديار بخش فارسى جامعه مليه اسلاميه، دهلى نو.

۱. زبان و ادب فارسى در هند، ص ۱۸.

۲. فارسى ادب به عهد سلاطين تغلق، ص ۲۰.

۳. زبان و ادب فارسى در هند، ص ۱۹.

امروز کدام حکایت را خواندی. محمود گفت این حکایت را خواندم.
 شنیدم که جمشید فرخ سرشت به سرچشمه‌ای بر به سنگی نوشت
 بدین چشمه چون ما بسی دم زدند برفتند چون چشم برهم زدند
 گرفتند عالم به مردی و زور و لیکن نبردند با خود به گور^۱

وجود امرا و فضیلاى ایرانى که وابسته به دربار سلاطین بهمنیان بودند یعنی در دربار آنها مقام و مرتبه داشتند سبب قدردانی و استقبال و دل‌گرمی شعرا و نویسندگان ایرانی در دربار بهمنیان شد. در تمام ادوار شاهان هند شاعران و نویسندگان دانشمندان مورد احترام قرار گرفتند و همراه عزت و احترام با مقام و سمت هم سرافراز گشتند و در دربارهایشان به سمت ملک‌الشعراى هم رسیدند. یکی از شاعران معروف که از اسفراين ایران رهسپار هند شد، نورالدین محمد بن ملک بن آذرى اسفراينى طوسى است که در دوره بهمنیان عازم هند گردید و در دربار احمد شاه بهمنى قدم نهاد و به سمت ملک‌الشعراى (م: ۸۳۸ هـ) دست یافت. آذرى در سال (۷۸۴ هـ) در اسفراين متولد شد. نورالدین محمد بن ملک در ماه آذر متولد شده بود و برای همین آذرى گفته می‌شود و در اسفراين به دنیا آمد به همین سبب اسفراينى شد و مدتی در طوس اقامت داشته لهذا به او طوسى هم گفته می‌شود.

آذرى از آغاز جوانى به شاعرى روی آورد و اشعار بسيارى در مدح شاهان و امیران هم عصر خود از جمله میرزا شاهرخ پسر تیمور (حک: ۷۰۸-۸۵۰) سرود و چون خواجه عبدالقادر عودى، از ادیبان و بزرگان آن عصر در شاعرى با او به معارضه برخاست و آذرى در جواب او چند قصیده نیکو گفت، شاهرخ او را ملک‌الشعراى دربار خود کرد. در همین زمان است که او قدم در راه عرفان نهاد و محبت شیخ محى‌الدین غزالى طوسى (متوفى ۸۳۰ هـ) اختیار کرد و نزد او حدیث و حکمت فراگرفت.^۲

آذرى همراه با شیخ خود برای زیارت خانه کعبه رفت و بعد از ادایگى فریضه حج شیخ طوسى از دارفانى سفر عالم جاودانى اختیار نمود. آذرى بعد از وفات شیخ طوسى

۱. نگاهی به تاریخ ادب فارسى هند، ص ۲۰.

۲. دانشنامه زبان و ادب فارسى، جلد اول، ص ۳۶.

به خدمت شاه نعمت‌الله ولی درآمد و سپس با اجازه شاه نعمت‌الله ولی دوباره سفر حج نمود و این سفر تقریباً یک سال طول کشید و بعد از سفر حج به هندوستان آمد و به دربار احمد شاه بهمنی دکن (حک: ۸۲۵-۸۳۱) راه یافت و به سمت ملک‌الشعرایی رسید و مورد لطف و عنایات خاصی احمد شاه قرار گرفت و به سبب قصیده‌سرایی صله‌ها از او دریافت می‌کرد. آذری به دستور سلطان به نگارش تاریخ منظوم این سلسله «بهمن‌نامه» پرداخت و تا وقتی در دکن بود بهمن‌نامه را تا زمان زندگی احمد شاه بهمن رساند. دل‌تنگ برای وطن شد. از سلطان اجازه خواست که به اسفراین یعنی به وطن خود بازگردد ولی احمد شاه اجازه نداد. آذری به سفارش شاهزاده پسر احمد شاه متعهد شد که به سرودن بقیه آن ادامه دهد و هر سال آنچه می‌سراید به دکن بفرستد. چنانچه هر سال مقداری که شعری می‌سرود به دکن می‌فرستاد^۱.

شاهزاده علاءالدین که پس از پدرش به قدرت رسید و از ۸۳۸-۸۶۲ حکومت کرد و مرید شیخ آذری بود و پس از مراجعت وی به ایران ارتباطش را با مریدانش علاءالدین حفظ کرد و از راه مکاتبه او را از شاد می‌کرد. آذری سی و دو سال آخر عمر را در فقر و درویشی و عزلت و خانه‌نشینی و تألیف کتب و سرودن اشعار بسر برد و بالآخره در سال (۸۶۶ هـ) در سن ۸۲ سالگی در اسفراین درگذشت و آرامگاه او در اسفراین زیارت‌گاه عوام و خواص بوده است.

آثار آذری

در ضمن آثار آذری کتاب‌های ذیل نامبرده می‌شود:

کتاب سعی‌الصفاء فی المناسک تاریخ المکة المکرمة، طغرای همایون، مثنوی مرأت، دیوا اشعار، بهمن‌نامه، مفتاح‌الاسرار، جواهرالاسرار، مثنوی امامیه، مثنوی ثمرات^۲.

دیوان آذری

دیوان آذری که در سالش ۱۳۸۹ هـ ش از کتابخانه موزه و مرکز اسناد ملی مجلس شورای اسلامی به تحقیق و تصحیح دکتر محسن کیان و سید عباس رستاخیز چاپ

۱. دیوان آذری اسفراینی، ص ۵۳.

۲. همان.

شده، شامل قصاید، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، غزلیات، قطعات، رباعیات و تک بیت‌ها است. یعنی آذری به تمام قالب‌های شعر فارسی شعر سروده است از این معلوم می‌شود که آذری شاعری بوده که به تمام قالب‌های شعر فارسی دسترس داشته. در دیوان آذری اول قصایداند که ترکیب قصاید دیوان مذکور این چنین است:

قصیده اول: در توحید باری تعالی؛ ۲. در توحید و نعت پیامبر و منقبت امامان؛ ۳. در توحید و حکمت و سرگذشت آدمی؛ ۴. در نعت و منقبت پیامبران؛ ۵. در حکمت و عرفان اخلاق؛ ۶. در مدح امیرالمؤمنین علی^ع؛ ۷. در مدح حضرت علی^ع؛ ۸. در توحید؛ ۹. در مدح امیرالمؤمنین؛ ۱۰. در مدح حضرت علی^ع؛ ۱۱. در مدح حضرت علی^ع؛ ۱۲. در توحید؛ ۱۳. در حکمت و مدح امیرالمؤمنین علی^ع؛ ۱۴. قصیده عروجیه در حکمت و عرفان؛ ۱۵. در نعت پیامبر اکرم^ص؛ ۱۶. در نعت پیامبر اکرم^ص؛ ۱۷. در مدح امام رضا^ع؛ ۱۸. در مدح امیرالمؤمنین^ع و امامان؛ ۱۹. در مدح امیرالمؤمنین علی^ع؛ ۲۰. در نعت پیامبر اکرم^ص و امامان؛ ۲۱. در مدح امام زمان^ع؛ ۲۲. در نعت پیامبر اکرم^ص؛ ۲۳. در مدح امیرالمؤمنین^ع؛ ۲۴. در مدح حضرت علی^ع؛ ۲۵. در نعت پیامبر اکرم^ص؛ ۲۶. در مدح امام هشتم^ع؛ ۲۷. در مدح علی ابن موسی الرضا^ع؛ ۲۸. در مدح امام هشتم^ع؛ ۲۹. در مدح علی ابن موسی الرضا^ع؛ ۳۰. بهاریه؛ ۳۱. در توحید؛ ۳۲. در حکمت؛ ۳۳. در مدح امیرالمؤمنین^ع؛ ۳۴. در مدح حضرت علی^ع و ۳۵ شعر که در آخر دیوان آمده در منقبت امام رضا^ع می‌باشد. یعنی مجموعاً تعداد قصاید دیوان آذری سی و پنج می‌رسد از این سی و پنج قصیده، نه قصیده در توحید، چهار قصیده در نعت پیامبر و چهارده قصیده در منقبت علی علیه‌السلام، پنج قصیده در منقبت امام هشتم و یک قصیده در منقبت امام دوازدهم و یک قصیده درباره پیامبران و یک قصیده هم تحت عنوان بهاریه قرار دارد.^۱

از عنوانات قصاید بالا معلوم می‌شود که موضوع قصاید آذری مسایل دینی و مذهبی، توحید و نعت و منقبت است.

قصیده اول که در توحید باری تعالی است این چنین آغاز می‌شود:

آغاز سخن به که کند عارف دانا بر نام خداوند تبارک و تعالی

۱. دیوان آذری اسفراینی، ص ۷۲.

سر دفتر دیوان کتب‌خانه دانش حمد است و ستایش صفت حضرت اعلی
مفتاح فتوحی که در آن گنج معانی ست فتح سخن است از در گنجینه اسما^۱

آذری پس از فصاید یک ترجیع‌بند «در سیر و سلوک عرفانی» سروده که دارای چهارده بند است و سپس سه ترکیب‌بند به عناوین ذیل: ۱. ترکیب‌بند در مدح حضرت علی^ع؛ ۲. ترکیب در مدح امام زمان^ع؛ ۳. ترکیب‌بند در مصیبت سیدالشهدا^ع سروده که بالترتیب دارای ۳، نه و نه بند می‌باشد. بعد از ترکیب‌بند غزلیات آمده‌اند که تعداد غزلیات ۴۶۹ است و موضوع غزلیات هم عرفانی و دینی و معنوی می‌باشد همان طور که می‌دانید آذری نه فقط یک شاعر و نویسنده بود بلکه او عارف هم بوده برای همین آذری غزلیات عرفانی سروده است و در ضمن غزل‌گویی بعضی از شاعران مثلاً حسن دهلوی، نظامی گنجوی، مولانا رومی را نام هم برده است و در ضمن سرودن غزلیات تحت تاثیر حسن دهلوی، سعدی شیرازی و حافظ شیرازی قرار گرفته و در غزلیات حافظ و سعدی را پیروی نموده، مثلاً سعدی می‌نویسد:

سرو بالای به صحرا می‌رود رفتنش بین تا چه زیبا می‌رود

آذری می‌گوید:

این چه رفتار است کان سرو سهی قد می‌رود هر که ببند آن قد و رفتار از خود می‌رود^۲
همچنین از حافظ:

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن در فلک درنگ ندارد شتاب کن

آذری:

ساقی صبوح چاره ستان خواب کن یعنی به جام باده گلگون شتاب کن

حافظ:

شراب عیش نهان چیست کار بی‌بنیاد زدیم بر صف رندان هر آنچه بادآباد

آذری:

شراب لعل دهد چون تو صد هزار به باد بیار باده رنگین و هرچه بادآباد^۳

۱. دیوان آذری اسفراینی، ص ۱.

۲. همان، ص ۷۵.

۳. همان، ص ۷۶.

و همچنين مثال‌هاى ديگر هم دارد.

از مطالعه ديوان معلوم مى‌شود كه آذرى تاثيرى از حسن دهلوى «طوطى هند» گرفته و تحقيقاً كلام حسن را مورد مطالعه قرار داده يعنى آذرى به سروده‌هاى خود از كلام حسن دهلوى استفاده كرده و عظمت و بلندى شعر حسن را حفظ نموده مى‌گويد: آذرى، طوطى هند ار چه كه شكر شكن است ليك با طبع نكويت ز كجا تا به كجا حُسن سخن آذرى از شعر حسن بود ديوان حسن همچون كتاب حسنات^۱

در ديوان آذرى قطعات هم ديده مى‌شوند كه تعداد آنها ۴۲ است. غير از قطعات ۷۵ رباعيات هم دارند كه ۲۳ رباعى اول خود از آذرى مى‌باشد و ۲۳ به بعد در ديوان مذكور يك عنوان است «رباعيات منسوب به حكيم آذرى» در ضمن اين عنوان كه ۲۴ تا ۷۵ رباعيات نوشته شده است كسى كه غزليات را نقل كرده در پايان آن شماری از رباعيات نيز نقل شده و آنها را به آذرى نسبت داده است ولى به طوري كه مى‌دانيم غالب اين رباعيات منسوب به خيام است و بارها به نام خيام چاپ شده است با اين همه چون نسخه‌نويس آنها را به آذرى نسبت داده است در اينجا آورديم.^۲

علاوه از اين ۱۲ تك بيت هم در ديوان آذرى موجوداند.

اگر كلام آذرى را بررسى كنيد معلوم مى‌شود كه موضوع قصايد و غزليات، ترجيع‌بند و تركيب‌بند، قطعات و رباعيات عرفانى، مذهبي و معنوى است.

سبك آذرى

طبق دانشنامه زبان و ادب فارسى. در سبك پيروي امير خسرو و سعدى شيرازى نموده است. "از جهت سبك، مى‌توان او را پيرو امير خسرو دهلوى و سعدى دانست. مضامين و تشبيهات و تعبيرات اين شاعران در اشعار وي فراوان به كار رفته است. آذرى در اشعار خود كلمات مغولى و نيز مضامين كه بعدها از صفات مميزه سبك هندی شناخته شد و همچنين اصطلاحات و تعبيرات عرفانى اين

۱. ديوان آذرى اسفراينى، ص ۷۷.

۲. همان، ۳۰۶.

عربی را بسیار به کار برده است. جامی گفته است که در شعر آذری شطحیا بسیار است^۱.

پس در آخر گفته می‌شود که آذری یکی از شاعر معروف زمان خود بوده که شهرت او از ایران و هندوستان گرفته به تمام جهان فارسی رسیده و به سبب کلام خودش مورد توجه شاهان بهمنیان هند گردیده و به مرتبه ملک‌الشعرایی رسیده است.

منابع

۱. دانشنامه زبان و ادب فارسی، جلد اول، اسماعیل سعادت، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۸۴.
۲. دیوان آذری اسفراینی، تحقیق و تصحیح دکتر محسن کیانی، سید عباس رستاخیز، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۳. زبان و ادب فارسی در هند، کیومرث امیری، شورای گسترش زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۷۴.
۴. فارسی ادب به عهد سلاطین تغلق، شعیب اعظمی، نعمانی پریس، دهلی، ۱۹۵۸ م.
۵. نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند، توفیق سبحانی، دبیرخانه گسترش زبان و ادب فارسی، تهران، ۱۳۳۷ ش.

۱. دانشنامه زبان و ادب فارسی، ص ۳۷.